

نگاهی به حقوق حیوانات

در اخلاق محیط زیست اسلام از منظر نهج البلاغه

پروانه رضایی*

چکیده

برخی از متفکران معاصر غرب بر این عقیده‌اند که ادیان، از جمله اسلام، عامل اساسی تخریب و ایجاد بحران محیط زیست‌اند. این مقاله با رد این ادعا، اثبات می‌کند اخلاق زیست‌محیطی که غربی‌ها در دوره معاصر در اندیشه رعایت آن برآمده‌اند، پیش‌تر در منابع و آموزه‌های دینی و اسلامی بدان توجه شده است. در این میان، ریزترین نکته‌های اخلاق زیست‌محیطی مانند توجه و اهتمام به آبادانی زمین و طبیعت، سفارش به حفظ حقوق کشاورزی و دامپروری، رعایت عدالت در رفتار با حیوانات و بچه‌های آنها، پرهیز از استفاده‌های بی‌حد و حصر و اجتناب از اذیت و آزار موجودات در سیره علوی، به ویژه کتاب نهج البلاغه بازتاب گسترده‌ای داشته، و افزون بر آن، امام علی^ع راه کارهای عینی حفاظت از محیط زیست را ارائه کرده است. امام علی^ع در نهج البلاغه به تنظیم رفتار کارگزارانش، در بهره‌برداری از حیوانات به گونه‌ای دقیق و قابل توجه پرداخته است. این مقاله به بررسی موارد مذکور در نهج البلاغه می‌پردازد. کلیدواژه‌ها: نهج البلاغه، اخلاق، زیست‌محیط، حقوق حیوانات.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک

* عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه پیام نور دلفان. دریافت: ۸۹/۳/۴ - پذیرش: ۸۹/۵/۳۰

دنیای معاصر به دنبال تحولات همه‌جانبه در زمینه‌های علمی، فناوری، اجتماعی، فرهنگی و...، شاهد پیدایش علوم و فنون نوین و بین رشته‌ای متعددی است. بشر افزون بر توجه به موضوع‌های انسانی، به محیط و پدیده‌های پیرامونی که در خدمت و تسخیر انسان قرار دارد، اهتمام ویژه‌ای ورزیده است. اخلاق زیست‌محیطی در دوره معاصر، ذهن بسیاری از اندیشمندان را به خود جلب کرده است. متفکران معاصر، با گرایش‌های انسان‌محور نشئت گرفته از فلسفه مدرن، ادیان الهی و آموزه‌های دینی را از عوامل اساسی تخریب محیط زیست و تهدید آن می‌دانند.^۱ لین وایت^۲ در سال ۱۹۶۷ م در مقاله‌ای با عنوان «ریشه‌های تاریخی بحرانهای اکولوژی»، سنت مسیحی و یهودی را عامل بحران‌های زیست‌محیطی معاصر دانست که در آگاهی زیست بومی در جامعه دینی نقش مهمی ایفا کردند. وایت در آن مقاله بیان کرد که مسیحیت در بحران زیست‌محیطی نقش عمده‌ای دارد. به عقیده او، جهان‌نگری مسیحی و امر کتاب مقدس به حاکمیت بر طبیعت، زمینه رویکرد ابزاری و نه احترام‌آمیز به طبیعت و انگیزه تکوین علم و فناوری را که از لحاظ زیست‌محیطی مخرب باشد، فراهم آورده است.^۳

آرنولد توین بی نیز در گفت‌وگو با دای ساتو ایکه دا، دانشمند ژاپنی به این نتیجه رسید که دین مورد نیاز بشر کنونی، خدایی‌گرایی است که احترام به منزلت و قداست کل طبیعت را تعلیم می‌دهد و یکتاپرستی یهودی توجیه‌گر بهره‌برداری حریصانه بشر از طبیعت است؛ چیزی که بشر کنونی به آن نیاز ندارد. لکن بسیاری دیگر از متفکران عرفی زیست، دانشمندان و فعالان حوزه محیط زیست، به دلیل اشتراک هدف و تعهد، به جامعه دینی روی آوردند. برای مثال، در سال ۱۹۹۲، یکصد و پنجاه دانشمند و رهبر دینی، در همایشی بیانیه‌ای صادر کردند که تصویری عمیق از هدف و تعهد مشترک برای اقداماتی جسورانه به منظور حمایت از محیط زیست ارائه می‌داد و خواهان همکاری مشترک دین و علم برای حمایت از محیط زیست شدند.^۴ بر همین اساس، بسیاری از متفکران برای رد ادعای وایت، سنت مسیحی را مجدداً بررسی کردند تا منابعی برای تفکر و اشتغال کلامی معطوف به محیط زیست بیابند. تاکنون، برای عملیاتی کردن یا به کاربردن اخلاق یا بینش جدید درباره مسائل گوناگونی که بحران محیط زیست را پدید می‌آورند، تلاش اندکی انجام شده است؛^۵ اما آنچه اهمیت دارد این است که متفکران زیست بومی غرب، خواهان گفت‌وگوی بیشتر میان علم و دین در جهت پدید آوردن اخلاق زیست‌محیطی مجهز به علم هستند.

دنیای معاصر غرب، در حالی به دنبال ایجاد نگرش‌ها و آرا و تفسیرهای جدید دینی دربارهٔ حمایت مسیحیت از اخلاق محیط زیست است که اخلاق زیست‌محیطی، در کتاب جاودانه و مقدس قرآن و روایات نورانی معصومان و آموزه‌های دینی به شکلی شفاف و گسترده، بیان شده است. در قرآن کریم، بارها به احیای طبیعت و عناصر طبیعت از قبیل دریا، کوه، درخت، باد، آب، خاک، آسمان، زمین، چارپایان و پرندگان و ... اشاره،^۶ و به منزلهٔ آیات و نشانه‌های خالق جهان هستی بدان‌ها توجه ویژه شده است. در این میان، اخلاق محیط زیست در کتاب *نهج‌البلاغه* که کتابی بالاتر از کلام مخلوق و پایین‌تر از کلام خالق و مبتنی بر کلام وحی و اندیشه‌های اسلام ناب محمدی ﷺ و بیانگر سیرهٔ علوی و رهنمون‌های روشن‌گر حضرت علی علیه السلام است. به روشنی و فراوان بازتاب یافته است. مقالهٔ حاضر، می‌کوشد به تبیین اخلاق محیط زیست در *نهج‌البلاغه* بپردازد و نشان دهد که اولاً توجه به محیط زیست، دستاورد دنیای معاصر غرب نیست، بلکه خاستگاه آن آموزه‌های دینی و اسلامی است؛ ثانیاً بطلان تفکر اندیشمندان معاصرمانند وایت و دیگران را مبنی بر اینکه دین عامل اساسی تخریب محیط زیست است، اثبات کند.

محیط زیست و اخلاق

محیط زیست در حقوق ایران، عبارت است از: «فضایی با تمامی شرایط فیزیکی و بیولوژیکی، اجتماعی و سیاسی و غیره که همه موجودات زیست‌کننده در آن را شامل می‌شود و مجموعهٔ روابط آنها را دربرمی‌گیرد».^۷ بنا بر این تعریف، می‌توان عناصر و ارکان محیط زیست را شامل این موارد دانست: مکان و فضا، شرایط فیزیکی و زیستی، حضور زیست‌کنندگان، تنظیم روابط میان زیست‌کنندگان. اخلاق کاربردی نیز که در حقیقت زیرمجموعهٔ اخلاق هنجاری یا به تعبیر دیگر همان اخلاق هنجاری می‌باشد، درصدد است در حوزه‌های خاصی از زندگی فردی و اجتماعی، کاربرد و اعمال منظم و منطقی نظریهٔ اخلاقی را در زمینهٔ مسائل اخلاقی خاصی نشان دهد. اخلاق زیست‌محیطی از جمله مباحثی است که زیرمجموعهٔ اخلاق کاربردی به شمار می‌رود.^۸ به عبارت دیگر، اخلاق محیط زیست شاخه‌ای از اخلاق کاربردی است که به برخورد انسان‌ها با عالم غیرانسانی و عناصر غیرانسانی می‌پردازد. از این‌روی، آنچه به طور مستقیم مورد توجه اخلاق محیط زیست قرار دارد، بررسی چگونگی رابطهٔ عوامل انسانی آگاه و

خود مختار با چیزهای موجود در محیط زیست است.^۹ بنابراین، اخلاق زیست‌محیطی به موضوع‌های عام دربارهٔ زوایای متعدد رابطهٔ افراد انسانی با محیط پیرامونی و زیستی‌اش می‌پردازد.

پس از بیان مطالب مقدماتی، لازم است مروری کوتاه به اخلاق محیط زیست اسلام، ماهیت و محور این اخلاق داشته باشیم. در مکتب توحیدی اسلام، اخلاق زیست‌محیطی، اخلاقی خدامحور است؛ زیرا برگرفته از جهان‌بینی توحیدی است که در آن، خدا محور جهان، خالق و نگهدارندهٔ آن می‌باشد. بنابراین، مراقبت از محیط زیست، مراقبت از چیزهایی است که متعلق به خداوند است. برخی به این دیدگاه، ایراد انسان‌محور را گرفته‌اند؛ زیرا معتقدند انسان را در مقایسه با سایر موجودات در مرتبه‌ای متفاوت می‌بینند. در پاسخ باید گفت انسان در ادیان ابراهیمی متفاوت از دیگر مخلوقات است، ولی به دلیل مسئولیتی که در برابر خداوند دارد، نسبت به محیط زیست نیز مسئولیتی ویژه دارد. اینچنین مسئولیتی مستلزم آن است که در هنگام تصمیم‌گیری دربارهٔ محیط زیست، پیامدهای ممکن بر سایر موجودات زنده نادیده گرفته نشود.^{۱۰} بنابراین، پاسخ اخلاق زیست‌محیطی اسلام به دو پرسش اساسی اخلاق این‌گونه است:

۱. چه چیزی به طور ذاتی دارای ارزش است؟ تمامی مخلوقات زنده و غیرزنده (کل هستی) مخلوق خداوندند و به همین دلیل، دارای ارزش و شایستهٔ توجه اخلاقی می‌باشند؛^۲ چه چیزی باعث می‌شود یک عمل، درست یا نادرست محسوب شود؟ انجام دستورهای الهی برای ارتباط با زیست بوم.^{۱۱} بنابراین، اخلاق محیط زیست اسلامی مبتنی بر عدالت در رفتار و تعامل با محیط پیرامونی است و گسترهٔ رفتار عادلانه، نه تنها به انسان محدود نشده است، بلکه به تمام ارکان جهان هستی - جاندار و بی‌جان - تسری پیدا کرده است. در نظام هستی، همهٔ موجودات در تسخیر خداوند قرار دارند و از آن خداوند هستند و بسوی او در حرکت و جنب‌وجوش‌اند. بر این اساس، اخلاق زیست‌محیطی بر تبیین رفتار، نوع نگاه و نیز تحدید و تعیین وظایف انسان در برابر عناصر تشکیل‌دهندهٔ محیط (طبیعت و پدیده‌های پیرامونی مانند گیاهان، پرندگان و حیوانات و ...) مبتنی است. اینجاست که می‌توان ادعای لین وایت و کسانی که ادیان توحیدی را عامل اساسی تخریب محیط زیست معرفی می‌کنند، ادعایی پوچ و باطل دانست؛ زیرا انسانی که خداوند، آسمان و زمین و هرچه در آنهاست را مسخر او گردانیده، انسانی است که در درجهٔ اول، خدا را خالق و مالک کل هستی و صاحب اختیار خود و آنها می‌داند. و در

درجه دوم، خود را در مقابل خداوند و مخلوقات او مسئول می‌داند؛ نه انسان مورد نظر مکتب‌های اومانیستی که انسان را محور عالم می‌دانند و آزادی‌های بی‌حد و حصر برای او قائل‌اند.

حقوق حیوانات در نهج البلاغه

حیوانات از مهم‌ترین زیست‌بوم‌هایی‌اند که حقوق آنها بیش از هر موجود دیگری توجه مدافعان زیست‌محیطی را به خود جلب کرده است. در دهه‌های اخیر، توجه جوامع به این مطلب جلب شده است که فقط انسان‌ها از حقوق مختلف برخوردار نیستند؛ بلکه تمام آنچه روی زمین وجود دارد، مانند کوه‌ها، دریاها و حیوانات و گیاهان نیز دارای حقوق می‌باشند. چند سالی پیش نیست که انجمن‌های حمایت از حقوق حیوانات سراسر دنیا متوجه حیوانات و حق و حقوق آنها شده‌اند و به این مسئله پرداخته‌اند. بیانیه جهانی حقوق حیوانات به طور رسمی در تاریخ ۱۵ اکتبر ۱۹۷۸ در شورای مرکزی یونسکو اعلان شد. مفاد این بیانیه توسط اتحادیه بین‌المللی حقوق حیوانات در سال ۱۹۸۹ مورد تجدید نظر قرار گرفت و از ۱۹۹۰ به رئیس مجمع عمومی یونسکو تسلیم، و در همان سال منتشر شد.^{۱۲} این بیانیه ده ماده‌ای بیانگر حق و حقوق حیوانات بر انسان و نحوه رفتار و نگهداری از آنهاست. طرفداران حقوق حیوانات معتقدند حیوانات حقوق قانونی و اخلاقی معینی‌اند که شامل حق مورد صدمه و آزار قرار داده‌نشدن آنها نیز می‌شود؛^{۱۳} در حالی که اسلام قرن‌ها پیش با لطافت و دقت تمام به این مسئله مهم در قرآن کریم و سایر متون دینی توجه کرده است. در این میان، حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه به شکل تقریباً برجسته و مبسوط در خطبه‌ها و نامه‌ها به موضوع مورد بحث پرداخته است.

۳-۱. رعایت حقوق حیوانات توسط کارگزاران

حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای به یکی از کارگزاران مسئول گرفتن زکات، ضمن تأکید بر رعایت حقوق انسان‌ها، به چگونگی رعایت حقوق حیوانات می‌پردازد:

الف) تنظیم شیوه ورود به میان حیوانات: حضرت در این باره تأکید می‌کند مانند کسی که بر رمه و حیوانات چیرگی و تسلط و قصد آزار و اذیت آنها را دارد بر آنها وارد نشود: «فَإِنْ كَانَتْ لَهُ مَاشِيَةٌ أَوْ إِبِلٌ فَلَا تَدْخُلْهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ، فَإِنْ أَكْثَرَهَا لَهُ، فَإِذَا أَتَيْتَهَا فَلَا تَدْخُلْهَا دُخُولَ مُتَسَلِّطٍ عَلَيْهِ وَلَا عَنِيْفٍ بِهِ، وَلَا تُنْفِرَنَّ بِهِمَةَ وَلَا تُفْرِعَنَّهَا...»^{۱۴}

پرتال جامع علوم انسانی

ب) پرهیز از جدایی‌افکندن میان حیوانات و نوزادانشان: امام در همین نامه به کارگزار خود سفارش می‌فرماید چنانچه مؤدیان زکات تمایل داشتند زکات شتر و گوسفندان را بپردازند، این‌گونه عمل کنید: «میان ماده شتر و بچه شیرخوارش جدایی بیفکن، و ماده را چندان ندوشان که شیرش اندک ماند و به بچه‌اش زیان رساند».^{۱۵}

ج) عدالت در رفتار با حیوانات: حضرت در این خصوص می‌فرماید چنانچه از حیوان به عنوان مرکب استفاده شد، نباید آن را خسته کرد. امام علیه السلام در ادامه بر رعایت عدالت میان حیوانات نیز تأکید می‌کند: «میان آن شتر مرکوب و سایر شتران عدالت را برقرار ساز و شتر خسته را آسوده گردان و آن را که کمتر آسیب دیده یا از رفتن ناتوان گردیده آرام ران».^{۱۶} همچنین بر تغذیه حیوانات و سیراب کردن و استراحت دادن به آنها نیز سفارش اکید می‌کند: «وَلْيُورِدْهَا مَا تَمُرُّ بِهِ مِنَ الْعَدْرِ، وَلَا يَعْدِلْ بِهَا عَنْ نَبْتِ الْأَرْضِ إِلَى جَوَادِّ الطَّرْقِ، وَلْيُرَوْحَهَا فِي السَّاعَاتِ، وَلْيُمْهَلْهَا عِنْدَ النَّطَافِ وَالْأَغْشَابِ، حَتَّى تَأْتِيَنَا بِإِذْنِ اللَّهِ بُدْتًا مُنْقِيَاتٍ، غَيْرَ مُتَعَبَاتٍ وَلَا مَجْهُودَاتٍ، لِنُقَسِمَهَا عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ».

به نظر می‌رسد امام بر رعایت حقوق حیواناتی که به منزله زکات در دست کارگزارش قرار دارند، تأکید و اهتمام بیشتری دارند؛ زیرا این نوع حیوانات، اسیر آن کارگزارند و مال دیگران هستند، نه مال آن کارگزار، بنابراین، امام بیم آن داشته است چه‌بسا که کارگزار به سیری و گرسنگی و چاقی و لاغری آنها توجه نداشته باشد و به آن اهمیت ندهد. از این‌روی، امام علیه السلام بر رعایت حقوق حیواناتی که در دست غیرمالکان آنها هستند و سود مستقیمی برای نگهداری‌کنندگان ندارد، حساسیت بیشتری نشان می‌دهد. نکته قابل توجه اینکه حضرت، حفظ و رعایت حقوق حیوانات را به نظام دینی و الهی نسبت می‌دهد و برای این کار اجر و مزد اخروی و معنوی قائل می‌شوند: «فَإِنَّ ذَلِكَ أَكْبَرُ لِأَجْرِكَ، وَأَقْرَبُ لِرُشْدِكَ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ».^{۱۷}

امیر المؤمنین علیه السلام به حیوانات بیمار و شکسته‌پا و پیر و فرسوده نیز توجه دارد و از گرفتن آنها بجای زکات نهی می‌کند: زیرا این کار مستلزم حرکت دادن و طی راه‌های طولانی است و بی‌تردید چنین حیواناتی در راه اذیت خواهند شد: «وَلَا تَأْخُذَنَّ عَوْدًا، وَلَا هَرِمَةً، وَلَا مَكْسُورَةً، وَلَا مَهْلُوسَةً، وَلَا ذَاتَ عَوَارٍ».^{۱۸} امام علی علیه السلام به کارگزارش تأکید می‌کند که حیوانات را به فردی خیرخواه و مهربان و درستکار و امین بسپارد تا آنها را آزار ندهد: «و بر آن مگمار جز خیرخواهی مهربان، و درستکاری نگاهبان که نه بر آنان درشتی کند و زیان‌شان رساند و نه

مانده‌شان سازد و نه خسته‌شان گرداند».^{۲۰} حقوق حیوانات و عدالت نسبت به آنها در سیره علوی تا آنجا مورد تأکید و سفارش است و اهمیت دارد که حضرت در مقابل تمام هستی و اقلیم هفتگانه، حاضر به گرفتن پوست جویی از دهان مورچه‌ای به ظلم و ناروا نیست: «وَاللَّهِ لَوْ أُعْطِيَ الْأَقْلِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتَ أَفْلَاقِهَا، عَلَى أَنْ أُعْصِيَ اللَّهُ فِي نَمْلَةٍ أَسْلَبَهَا جِلْبَ شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتُهُ...».^{۲۱} حضرت امیر علیه السلام در هنگام ضربت خوردنش توسط ابن ملجم لعنة الله علیه، به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام سفارش می‌کند که پس از شهادت ایشان، بیشتر از یک ضربه را بر ابن ملجم نزنید و او را مثله نکنید و سپس با اشاره به سخن پیامبر صلی الله علیه و آله، مثله کردن را حتی نسبت به سگ هم نهی می‌کند: «انظروا إذا أنا مت من ضربتي هذه، فأضربوه ضربة بضربة، ولا يُمثل بالرجل، فإني سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله يقول: «إياكم والمثلة ولو بالكلب العقور».^{۲۲} در حدیثی از حضرت امیر درباره ذبح گوسفند چنین آمده است: «گوسفند را نزد گوسفند و شتر را نزد شتر ذبح مکن؛ در حالی که آن دیگری به او می‌نگرد»؛^{۲۳} یعنی احساسات حیوانات را نیز باید در نظر گرفت. در جای دیگر نیز بر نگهداری از حیوانات، به ویژه گوسفند تأکید می‌فرماید: «بهترین چیزی که انسان در خانه برای خانواده خود تهیه می‌کند، گوسفند است. هر کس در منزل خود گوسفندی داشته باشد، در هر روز فرشتگان خدا دو بار او را تقدیس می‌کنند».^{۲۴}

۲-۳. سیره علوی و اهتمام به پرندگان، شگفتی‌های آفرینش

پرندگان به منزله مخلوقات خداوند و نشانه‌های خلقت بی‌بدیل خالق هستی، مورد توجه قرآن و نهج البلاغه قرار گرفته است.^{۲۵} در قرآن کریم، به داستان پرندگان از قبیل هدهد، غراب (کلاغ)، طیر ابابیل و... از زوایای مختلف اشاره، و گاهی به عنوان الگوی رفتاری و پندآموز انسان معرفی شده است. در سوره مائده، پس از اینکه یکی از دو فرزندان آدم، برادر خود را به قتل می‌رساند، خداوند کلاغی را می‌فرستد تا به قاتل، روش پوشیدن و دفن جسد برادر را نشان دهد. و در نتیجه، برادر قاتل پند می‌گیرد و همان‌گونه عمل می‌کند و پشیمان می‌شود: «سپس خداوند زاغی را فرستاد که در زمین، جستجو(کندوکاو) می‌کرد؛ تا به او نشان دهد چگونه جسد برادر خود را دفن کند. او گفت: «وای بر من! آیا من ناتوان‌تر از آن هستم که مانند این زاغ باشم و جسد برادرم را دفن کنم؟!» و سرانجام (از ترس رسوایی، و بر اثر فشار وجدان) از نادمان شد».^{۲۶} (مائده: ۳۱)

در نهج البلاغه نیز در موارد متعددی به توصیف پرندگان و نوع زندگی و پرواز آنها پرداخته شده است؛ از جمله، در خطبه ۱۶۵، حضرت به وصف پرندگان، به ویژه طاووس می‌پردازد و در حقیقت با این خطبه می‌خواهد بشر را به شگفتی‌های جهان خلقت و قدرت لایزال خالق متوجه و متنبه کند و به تفکر در ملکوت مالک هستی وادارد.^{۲۶}

حضرت امیر در این خطبه به آفرینش شگفت جانداران و مردگان و آرام‌گرفتگان و جنندگان، اشاره می‌کند و آنها را شاهدان روشن خلقت و صنع و قدرت خداوند می‌داند. «ابتدعهم خلقا عجيبا من حيوان و موات، و ساکن و ذی حرکات. فاقام من شواهد البیّنات علی لطیف صنعته و عظیم قدرته ما انقادت له العقول معترفة به و مسلمة له».^{۲۷} سپس حضرت گونه‌گونه بودن پرندگان را به عنوان دلایل و نشانه‌های و حدانیت خداوند معرفی می‌کند: «و نعقت فی اسماعنا دلائله علی وحدانیه و ما ذراً من مختلف صور الاطیار التی أسکنها أحمادید الارض و خروق فجاجها و رواسی اعلامها من ذات اجنحة مختلفة م هیأت متباينة...».^{۲۸} امام علیه السلام در این خطبه به انواع پرندگان اشاره می‌کند: «دسته‌ای از این پرندگان را که فربه بودند، از بالا رفتن و سبک پریدن در آسمان باز داشت و به پرواز در نزدیکی زمین وا گذاشت و مرتبشان فرمود با رنگی جدا که هر یک را بود، به مهارت در قدرت و باریکی در صنعت. بر دسته‌ای از آنها یک رنگ ریخته است و رنگی دیگر بدان نیامیخته است...».^{۲۹} امام علی علیه السلام در این خطبه به صورت جزئی‌تر و دقیق‌تر طاووس و خلقت وی را یکی از زیست‌کنندگان محیط پیرامونی انسان مطرح می‌کند: «و من اعجبها خلقا الطاووس الذی اقامه فی احکم تعدیل و نضد الوانه فی احسن تنضید بجنانج اشرج قصبه و ذنب اطال مسبحه...».^{۳۰} بدون شک توجه امام به جزئیات یک پرنده از قبیل پر، دم، بال، سر، رنگ، راه رفتن، ناز و کرشمه، کبر و غرور و حتی پیش ماده رفتنش، نگرستن به پر خویش، پوشش زیبا، قهقهه، اندوه و پاهای لاغر و سیاه فام، همه هزار نکته باریک‌تر از مو دارد و اهمیت این پرندگان را به مثابه موجودات جهان خلقت می‌رساند تا بشر هم از زیبایی و دستاوردهای آنها سود ببرد و هم به تأمل و تفکر در آفرینش فرو رود و هم از آنها به طور معتدل و منطقی بهره‌برداری کند.

بدیهی است اهتمام حضرت به طاووس و دیگر پرندگان، تنبیه، هشدار و تأکیدی است بر حمایت همه‌جانبه بشر از این موجودات زیست‌محیطی و پرهیز از آزار و اذیت و تخریب و هلاک آنها. ایشان بشر را به تدبیر و تفکر در خلقت ریزترین موجودات دعوت می‌کند و آنها را وادار

می‌سازد تا از ریزترین موجودات به عظمت و قدرت خالق نظام هستی پی ببرند. امام در این میان به مورچه و ملخ، به منزله دو موجود ریز اشاره می‌کند:

به مورچه و کوچکی جثه آن بنگرید که چگونه لطافت خلقت او با چشم و اندیشه انسان درک نمی‌شود. نگاه کنید چگونه روی زمین راه می‌رود ... و اگر خواهی در شگفتی ملخ سخن گو که خدا برای او دو چشم سرخ با دو حدقه چنان ماه تابان آفرید و به او گوش پنهان و دهانی متناسب اندامش بخشیده است. دارای حواس نیرومند و دو دندان پیشین که گیاهان را می‌چیند و دو پای داس‌مانند که اشیاء را برمی‌دارد ... ملخ‌ها نیرومندان وارد کشتزار می‌شوند و آنچه میل دارند می‌خورند؛ در حالی که تمام اندام‌شان به اندازه یک انگشت باریک نیست.^{۳۱}

بدیهی است دقت حضرت در توصیف این موجود و تشریح ساختمان بدن ریزترین آنها، نشانگر اهمیت این موجودات در جهان هستی است. بنابراین، همان‌گونه که قبلاً گفته شد، این موجودات زیبا و با اهمیت از این‌روی که مخلوق و مصنوع خداوندند و به دلیل ارتباطی که با او دارند و متعلق به اویند، باید مورد توجه و مهرورزی انسان قرار گیرند. انسان نیز همان‌طور که در برابر خداوند مسئول است، در برابر مخلوقات او نیز مسئولیت دارد. حضرت امیر^{علیه السلام} موجودات و حیوانات و پرندگان و به طور کلی محیط زیست را عناصری به هم پیوسته و مکمل یکدیگر می‌داند که به رغم اختلاف‌ها و تفاوت‌ها، ارزش ذاتی یکسانی در نظام هستی دارند:

اگر اندیشه‌ات را بکار گیری تا به راز آفرینش پی برده باشی، دلایل روشن به تو خواهند گفت که آفریننده مورچه کوچک همان آفریدگار درخت بزرگ خرماسست؛ به جهت دقتی که جدا جدا در آفرینش هر چیزی بکار رفته، و اختلافات و تفاوت‌های پیچیده‌ای که در خلقت هر پدیده حیاتی نهفته است، همه موجودات سنگین و سبک، نیرومند و ضعیف، در اصول حیات و هستی یکسانند، و خلقت آسمان و هوا و باده‌ها و آب یکی است.^{۳۲}

حضرت سپس همه پدیده‌های پیرامون و زیست‌محیط را نشانه‌های روشن پروردگار می‌داند: «پس اندیشه کن در آفتاب و ماه، درخت و گیاه، آب و سنگ، و اختلاف شب و روز و جوشش دریاها، و فراوانی کوه‌ها، بلندی‌قله‌ها، و گوناگونی لغت‌ها، و تفاوت زبان‌ها که نشانه‌های روشن پروردگارند. پس وای بر آن کس که تقدیرکننده را نپذیرد و تدبیرکننده را انکار کند».^{۳۳}

۳-۳. رویکرد نهج البلاغه به آبادانی و بهره‌وری زمین

آبادانی زمین یکی از مواردی است که در *نهج البلاغه* بدان توجه شده است. امام^{علیه السلام}، میان گرفتن خراج و آبادانی ارتباط تنگاتنگی را لحاظ می‌کند؛ ایشان معتقد است گرفتن خراج باید به

گونه‌ای باشد که به زمین و کشت و محصول آسیب نرساند: «و تفقد أمر الخراج بما يصلح اهله وفانّ فی صلاحه و صلاحهم صلاحا لمن سواهم و لا صلاح لمن سواهم الاّ بهم لانّ الناس کلّهم عیال علی الخراج و اهله و لیکن نظرک فی عمارة الارض ابلغ من نظرک فی استجلاب الخراج لانّ ذلک لا یدرک الا بالعمارة...»^{۳۴} حضرت در این نامه تنگدستی ساکنان زمین را باعث ویرانی آن می‌داند و در این میان، نقش والیان و کارگزاران را مهم و برجسته معرفی می‌کند: «... و زمین جز با تنگدستی ساکنان آن ویران نشود. مردم شهرها هنگامی تنگدست گردند که والیان روی به گردآوری مال آرند...»^{۳۵} حضرت حتی در دعای طلب باران، به آبادانی و سرسبزی و گیاهان و حیوانات توجه می‌کند:

خدواندا کوه‌های ما از بی آبی شکاف خورده و زمین ما غبار آلود و دام‌های ما در آغل‌های خود سرگردانند و چون زن بچه مرده فریاد می‌کنند ... خدایا بارانی ده که بسیار ببارد تا زمین‌های بلند ما پر گیاه شود و در زمین‌های پست روان گردد و نعمت‌های فراوان در اطراف ما گسترش یابد تا با آن میوه‌های ما بسیار، گله‌های ما زنده و فراوان، و سرزمین‌های دورتر از ما بهره مند گردند ... خدایا بارانی ده دانه درشت که پیاپی برای سیراب شدن گیاهان ما ببارد...^{۳۶}

حضرت امیر در خطبه ۹۱، فلسفه هبوط آدم را آبادانی زمین معرفی می‌کند: «هنگامی که زمین را آماده سکونت نمود و فرمان خویش را جاری ساخت، آدم علیه السلام را از میان مخلوقاتش برگزید ... پس از توبه او را از بهشت به زمین فرستاد تا با نسل خود زمین را آباد سازد و بدین وسیله حجت را بر بندگان تمام کرد».^{۳۷} امام علیه السلام در جای دیگر به درختکاری و حفاظت از درختان نخل توصیه می‌فرماید: «... با کسی این اموال در دست اوست شرط می‌کنم اصل مال را حفظ کرده، تنها از میوه و درآمدش بخورند و انفاق کنند و هرگز نهال‌های درخت خرما را نفروشند تا همه این سرزمین یکپارچه به گونه‌ای زیر درختان خرما قرار گیرد که راه یافتن در آن دشوار شود».^{۳۸} در سخنان امام علیه السلام چند نکته اهمیت دارد: ۱. نگاه اقتصادی به زمین و درختان و تأکید بر انتفاع از میوه و ثمره و حفظ اصل آنها؛ ۲. تأکید بر یکپارچه‌سازی مزارع کشاورزی که در دنیای معاصر در بخش کشاورزی به آن توصیه می‌شود؛ ۳. نگاه زیباشناسانه به درختان، علاوه بر استفاده از میوه و فایده‌های مادی آنها. به عبارت دیگر، حضرت معتقد است که افزون بر میوه‌دهی و نقش اقتصادی، از درختان می‌توان برای لذت‌بخشی چشم و ایجاد آسایش روحی و روانی نیز بهره‌مند شد.

نتیجه‌گیری

خداوند با مسخر قراردادن آسمان و زمین برای انسان - خلیفه خدا بر روی زمین - به معرفی نعمت‌های دنیوی و موارد استفاده و کاربرد آنها می‌پردازد، اما اینها همه به معنای ایجاد حق ویران کردن طبیعت یا استفاده‌های بی‌حد و حصر و نابجا از زمین و اکوسیستم‌ها و زیست‌بوم‌های مختلف نیست تا حق با لین وایت و دیگر مدافعان اخلاق زیست‌محیط غربی باشد که ادیان آسمانی را عامل اساسی تخریب محیط زیست می‌دانند. در منابع دینی، به ویژه *نهج‌البلاغه* هر جا سخن از استفاده و برخورداری از مواهب طبیعی است، به دنبال آن روش صحیح برخورد با زیست‌بوم‌ها و میزان و حدود مرز و چگونگی استفاده از آنها بیان شده است. حضرت علی علیه السلام در *نهج‌البلاغه*، پدیده‌های طبیعی را به لحاظ داشتن ویژگی‌هایی همچون زیبایی و خدمت‌رسانی به انسان، دارای ارزش می‌داند و آنها را وسیله‌ای برای تأمل و تفکر انسان برای پی بردن به قدرت و عظمت و دانایی خالق هستی می‌داند. از این‌روی، بر رعایت رفتار عادلانه و توجه و اهتمام به زیست‌بوم‌ها به طور ویژه تأکید می‌کند و راه کارهای عینی استفاده درست از موهبت‌های الهی را پیش‌روی انسان‌های عادی قرار می‌دهند. علی علیه السلام، در *نهج‌البلاغه* به تنظیم رفتار کارگزارانش، در بهره‌برداری از حیوانات به گونه‌ای دقیق و قابل توجه پرداخته است. حضرت، سیری و راحتی گوساله و نوزاد را معیار و میزان بهره‌برداری از شیر ماده گاو می‌داند و سواری بر چارپایان را تا حدی مجاز می‌داند که مرکب، خسته و رنجور نشود. اقلیم‌های هفت‌گانه را در مقابل سلب پوست جوی به ناحق از دهان مورچه، جایز نمی‌داند. پرندگان را نشانه‌ها و دلایل شگفت‌انگیز جهان آفرینش و قدرت لایتناهی خالق هستی می‌داند و انسان را به تدبّر و تأمل در خلقت آنها، تشویق، توصیه و امر می‌کند. به اعتقاد نگارنده، منشأ اشتباه‌های مدافعان اخلاق زیست‌محیطی در انتساب تخریب محیط زیست به آموزه‌های آسمانی و ادیان الهی، به این نکته برمی‌گردد که انسان، حیوان یا گیاهان را محور اخلاق می‌دانند؛ در حالی که بر اساس آموزه‌های دینی، اخلاق زیست‌محیطی، اخلاقی خدامحور می‌باشد. در این دیدگاه، استفاده از پدیده‌های طبیعی بر اساس نیاز و ضرورت، جایز و استفاده نابجا و بی‌حد و حصر ممنوع شده است.

۱. ر.ک: بهناز امین زاده، «جهان بینی دینی و محیط زیست درآمدی بر نگرش اسلام به طبیعت»، محیط شناسی، ش ۳۰، ص ۹۸

۴. ر.ک: آری آر چاپمن و همکاران، علم والاهیات، ترجمه ابو الفضل حقیری. همان، ص ۳۲۶.

۶. ر.ک: احسان تاریمرادی و محمدتقی فخلعی، «میانی و احکام فقهی محیط زیست»، مطالعات اسلامی، ش ۷۱، ص ۳۵.

۷. مجموعه قوانین محیط زیست ایران، ص ۲۳.

۸. احمدحسین شریفی، آئین زندگی (اخلاق کاربردی)، ص ۲۲؛ جمعی از نویسندگان، اخلاق کاربردی، ص ۱۹۹.

۹. جمعی از نویسندگان، اخلاق کاربردی، ص ۱۹۹.

۱۰. احمد عابدی سروستانی، و همکاران، «ماهیت و دیدگاه‌های اخلاق زیست محیطی با تأکید بر دیدگاه اسلامی»، اخلاق و علوم و فناوری، ش ۲ و ۱، ص ۶۵.

۱۱. همان.

۱۳. سلانه سلانه با حیوانات آشنا شویم و از جانب آنها سخن بگوییم، ص ۱۰۹ و ۱۱۰، ترجمه فاطمه معتمدی.

۱۴. نهج البلاغه، نامه ۲۵، ترجمه سیدجعفر شهیدی، ص ۲۸۷.

۱۵. همان، نامه ۲۵ ص ۲۸۷.

۱۶. همان، نامه ۲۵ ص ۲۸۷.

۱۷. همان.

۱۸. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، ج ۸، ص ۱۵۳.

۱۹. نهج البلاغه، نامه ۲۵، گردآوری محمدبن حسین شریف الرضی، ترجمه سید جعفر شهیدی، ص ۲۸۷.

۲۰. همان، نامه ۲۵، ص ۲۸۷.

۲۱. همان، خطبه ۲۲۳.

۲۲. همان، نامه ۴۷، ص ۲۶۸.

۲۳. ابوجعفر محمدبن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۳۴۱.

۲۴. محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۶۸۶.

۲۵. ر.ک: محمدتقی جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۷، ص ۲۶۰-۲۶۸.

۲۶. کمال الدین میثم ابن علی ابن میثم البحرانی، شرح نهج البلاغه، ص ۵۵۰.

۲۷. نهج البلاغه، ص ۱۶۹.

۲۸. همان.

۲۹. همان، ص ۱۶۹.

۳۰. همان.

۳۱. ر.ک: محمد دشتی و سید کاظم محمدی، المعجم المشهرس لالفاظ نهج البلاغه.

۳۲. همان، ص ۱۵۱.

۳۳. نهج البلاغه، ص ۱۰۵.

۳۴. همان، ۳۳۴.

۳۵. همان، ۳۳۴.

۳۶. همان، ص ۶۰-۶۱.

۳۷. همان خطبه ۹۱.

۳۸. محمد دشتی و سید کاظم محمدی، المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه، ص ۹۱.



منابع

- نهج البلاغه، گردآوری محمدبن حسین شریف الرضی، ترجمه سیدجعفر شهیدی، چ بیست و یکم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.
- پرتوی از نهج البلاغه (با نقل منابع و تطبیق با روایات مآخذ دیگر)، ویراستاری محمد مهدی جعفری، گردآوری محمدبن حسین شریف الرضی، ترجمه محمود طالقانی، چ دوم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.
- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالجلیل، المجلد السابع، بی تا.
- بحرانی، ابن میثم، شرح نهج البلاغه، بحرین، مکتبه فخرآوی، بی تا.
- امین زاده، بهناز، جهان بینی دینی و محیط زیست درآمدی بر نگرش اسلام به طبیعت، محیط شناسی، ش ۳۰، ۱۳۸۱، ص ۹۷-۱۰۷.
- تاریمرادی، احسان و محمد تقی فخلعی، «مبانی و احکام فقهی محیط زیست»، مطالعات اسلامی، ش ۷۱، بهار، ۱۳۸۵، ص ۳۱-۶۶.
- جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، چ ششم، چ هفتم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
- جمعی از نویسندگان، اخلاق کاربردی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
- چاپمن، آری آر، و همکاران، علم و الاهیات، ترجمه ابو الفضل حقیری، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۵.
- دشتی، محمد و سید کاظم محمدی، المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه، قم، مشهور، ۱۳۸۰.
- شریفی، احمد حسین، آئین زندگی (اخلاق کاربردی)، تدوین نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، مرکز برنامه ریزی و تدوین متون درسی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۴.
- طاهری، حبیب الله، درس هایی از اخلاق اسلامی، چ یازدهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۴.
- طوسی، خواجه نصیر الدین، اخلاق ناصری، قم، اندیشه، بی تا.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، چ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- عابدی سروستانی، احمد و همکاران، «ماهیت و دیدگاه های اخلاق زیست محیطی با تأکید بر دیدگاه اسلامی»، اخلاق و علوم و فناوری، سال دوم، ش ۱ و ۲، ۱۳۸۶، صص ۵۹-۶۸.
- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.

۱ 0áá± ÜiÉkqÜe áicáA-ááçieÑei èÉÁçá ÇiA-áçáç?i pÁiÁÉ NRRI NVST±KOMPJK

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی